

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۷۱

جمعه ۸ مرداد ۱۳۹۵، ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۶

یادداشت‌های هفته

عمیر تقوایی

تروریسم اسلامی

و گنبدی‌گی سرمایه داری عصر ما

توهین به مردم آذربایجان:

ناسیونالیسم پاسخ نیست

صفحه ۵

جمهوری اسلامی در صدر فهرست

کشورهایی که بیشترین اعدام را دارد!

صفحه ۸

تجمع اعتراضی کارگران

ایران ترانسفوی زنجان

صفحه ۸

نگذارید قلبشان از تپش باز ایستد

کارزار حمایت از زندانیان محروم از

درمان

صفحه ۳

سازمان بین‌المللی "با هم علیه مجازات اعدام":

زندانی کردن نرگس محمدی محکوم است!

صفحه ۸

## گریبان دزدان و چپاولگران را نباید رها کرد

کاظم نیکخواه

دعوا بر سر حقوقهای نجومی و دزدیها و فساد حکومتی همچنان با حدت و شدت در میان حکومتی‌ها جریان دارد. هرروز خود دزدان حکومتی در دعواهایشان چند مورد چپاولگری‌های نجومی شان را رو میکنند. این دور جدید دعواها از رو شدن حقوقهای نجومی چند مدیر شرکت توسعه ملی شروع شد و به افشای حقوقهای بقیه مقامات

حکومت رسید. فیشهای حقوقی شان از ۷۰ یا ۸۰ میلیون در ماه شروع میشود و تا ۲۵۰ میلیون و حتی ۸۰۰ میلیون در ماه هم میرسید. در آخرین افشاگرها از بالا کشیدن ۸۰۰ میلیارد تومان در یک نوبت توسط روسای بانک ملت حرف زده میشود. بعلاوه رئیس دادگاههای انقلاب حکومت از فساد مالی هزاران میلیارد تومانی توسط برادر روحانی حرف میزند. او میگوید حسن روحانی باید برای



برادرش حداقل تقاضای حبس ابد نماید.

صفحه ۲

## کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۶

## عصر روانپزشی!

مصطفی صابر

اخیریکی از پل‌های شهر زیبای ما را به زرده‌های زشت بلندی مفتخر کرده‌اند به اسم "زده‌های خودکشی". کارگران شهرداری سخت مشغولند تا قبل از تابستان شبیه همین بلا را بر سر دومین پل شهر نیز بیاورند. این زرده‌ها، نه فقط منظره فوق‌العاده از فراز پل را مکدر میکنند، بلکه این واقعیت هولناک را دائماً یادآوری میکنند که در این شهر بینظیر هستند کسانی چنان دیپرس و بهم

ریخته و مایوس که در حضور اینهمه زیبایی جان خود را میگیرند. و لابد کم هم نیستند؛ این زرده‌های رعب‌انگیز را برای چه بالا برده‌اند؟ این حکایت شهر آرام ما، و نکورور است. حالا حسابش را بکنید اگر ساکن مونیخ بودید، این روزها چه حالی داشتید! هفته گذشته جوانکی هژده ساله در جنایتی دهشت‌انگیز جان نه نفر و خودش را با شلیک گلوله گرفت. همه ابتدا فکر کردند عملیات داعش بوده و از ترس نفس در سینه حبس کردند. و باز، همه، بخصوص



مهاجرین ساکن آلمان و ایرانیان علی‌الخصوص، نفسی به راحتی کشیدند

صفحه ۲

## جای کودکان

شرکت در اعدام در ملاعام نیست!

نسان نودینیان

صفحه ۷

پدیده دونالد ترامپ! (۳)

جینگوئیسم نابهنگام!

محسن ابراهیمی

صفحه ۴

## عصر روانپزشکی!

از صفحه ۱

وقتی پلیس اعلام کرد که جوانک "روانپزش" بوده، ربطی به داعش و تروریسم اسلامی نداشته، احتمالا خواسته الگوی کشتار جمعی قاتل نورژی چند سال پیش که تمایلات راسیستی داشت را تکرار کند. آری چنان به مرگ تروریسم اسلامی گرفتند که به تب روانپزشی و راسیسم باید راضی باشیم. اما حتی این "نفس راحت" هم دوامی نداشت، چون در یک شهر دیگر آلمان جوانک مهاجر سوری دست به کشتار انتحاری زد که گرچه خوشبختانه تلفات محدودی داشت اما ارتباط این جنایت با داعش مسلم بود. و من پیش خود زمزمه میکنم: در قیاس با اوضاع آلمان صد رحمت به "زده های خودکشی" شهر ما. این احساس ناامنی در آلمان حالا قرار است چند نفر را "روانپزش" و احیانا سوسایدل کند؟ وضعیت آلمان به اوضاع فرانسه تازه

رحجان دارد. همین دیروز اسلامیست ها در شمال فرانسه یک کشیش را وسط کلیسا سر بریدند. این جنایت تنها چند روز بعد از جنایت دهشتناک شهر نیس است که یک هوادار داعش با کامیون به میان جمعیت زد و حمام خون براه انداخت. پیش خود میگویم بیچاره مردم فرانسه! آنها نه فقط در معرض تهاجم اسلامیست ها هستند بلکه دولت فحیمه به اصطلاح سوسیالیستها نیز به بهانه این وضع مرتب "تمدید وضعیت فوق العاده" را به ناف آنها می بندد و از آن سو راسیست ها و "جبهه ملی" ارتجاعی قوت میگیرند. چه شود آنجا؟ اما فکر نکنید مثلا اوضاع انگلستان خیلی بهتر از فرانسه و آلمان است. به رای چند وقت پیش خروج از اتحادیه اروپا دقت کنید. اکثریت مردم از سر اعتراض به وضع موجود رای به برقراری شرایطی دادند که وضعشان را احتمالا حتی بدتر هم خواهد کرد. بهر حال دستکم راست ترین و ارتجاعی ترین جریانات

ناسیونالیستی و راسیستی را تقویت میکند. اگر این رای ناشی از یک "روانپزشی" اجتماعی نبود، پس چه بود؟ و یا فکر نکنید وضع ژاپن که آنسر دنیاست چندان بهتر است. همین روزها و در کنار خبرهای فوق آدم میخواند که یک بابایی در ژاپن برای نجات آدم های معلول با چاقو بهشان حمله برده و آنها را قصابی کرده است! عجب! و من پیش خود فکر میکنم بلندای زده های روانپزشی در ژاپن چند متر باید باشد؟ یا مثال دیگر، شما هم احتمالا اینترا را تجربه کرده اید: در سالهای اخیر وقتی روی فیسبوک می روم، مراقبم که مبادا نگاهم به تبلیغات و ویدئوهای وحشتناک سربریدن ها توسط اسلامیست ها بیفتد. اما با اینهمه علیرغم همه دقت و مراعات، جایی که انتظارش را ندارم، یکباره قیافه پلشت یکی از این ها را می بینم که کنار پنج سربریده نشسته و لیخند احمقانه و چندش آوری به لب دارد. دین یکی از اینها تا یک هفته

ثروت های عظیم غلت میزنند و بچه های کارگران از تحصیل محروم میشوند، از درمان محروم میشوند، تفریح و خنده به آرزویشان تبدیل میشود. این را دیگر نباید تحمل کرد. گریبانشان را باید محکم چسبید. مردم میدانند که وقتی امثال اژه ای یا جعفری و یا پورمحمدی و جانوران مفتخور و جاینگاری شبیه اینها از دزدیها و فساد مدیران دولتی حرف میزنند، هدفشان خالی کردن زیر پای رقیب است. اما مردم این را هم به تجربه دریافته اند که اگر اینها دزدیهای یکدیگر را افشا میکنند، به این دلیل است که میخواهند خشم مردم از کل نظام را به یک جناح حواله دهند و خود را تطهیر کنند. جمهوری اسلامی فقط یک باند مرتجع و مذهبی و متحجر نیست. این حکومت یک باند دزد و جنایتکار و سرمایه دار بیرحم و حریص است و تنها راه نجات مردم از فقر و مشقت و بیکاری و بیماری، به زیر کشیدن این حکومت و پایان دادن به حاکمیت سرمایه داران است. بطور واقعی هیچ راه دیگری برای مردم وجود ندارد.

آدم را از قوت می اندازد. نمی دانم اسم این حالت روانپزشی است یا چیز دیگر، اما حس میکنی آن زده ها تا توی جگرت فرو رفته است. تازگی به لیست سیاه ممنوعه هایم در فیسبوک، ویدئوهایی از خشونت عجیب و غریب ایدای اردغان علیه کردها و دیگر مخالفین اش و یا کشتار سیاهان بدست پلیس آمریکا هم اضافه شده است. چنان خشونت و جنایتی در این ویدئو ها هست که آدم فکر میکند به قرون وسطی برگشته ایم. بعد از آنطرف میشنوی که یک جوان سیاهپوست و سرباز سابق ارتش آمریکا در یک تظاهرات علیه کشتار سیاهان توسط پلیس رفته تفنگ برداشته و افسران سفید پوست را هدف قرار میدهد و میکشد. برخی او را به "پلنگ های سیاه" نسبت میدهند. بی شک تبعیض و ستم نژادی در آمریکا یک منبع بزرگ روانپزشی های ماست اما بنظر من آن سرباز سابق این نحوه کشتار آدمیزاد را بعنوان تک تیرانداز ارتش آمریکا در عراق و افغانستان آموخته است.

به این اخبار روانپزشانه هفته های اخیر البته باید دونالد ترامپ هم را اضافه کنید. ایشان قرار است (لااقل از سوی یکی از دو حزب وال استریت) که رئیس جمهور آمریکا یعنی بزرگترین قدرت دنیا با زرادخانه عظیم سلاح های اتمی شود. آنوقت از جمله شعارهای انتخاباتی اش کشیدن دیوار برای ممانعت از ورود مکزکی ها و یا راه انداختن جنگ صلیبی علیه مسلمانان است. باورتان میشود؟ از رویایی آمریکایی حالا به اینجا رسیده ام. وسط قرون وسطی. همین یک قلم، یعنی احتمال ریاست جمهوری ترامپ، برای روانپزش کردن نصف دنیا کافی نیست؟ مضافا که میدانیم رقیب او در این انتخابات یعنی خانم کلینتون چنان گوشت تلخ و نامحبوب و دست راستی است که احتمالا بعنوان فاکتوری بنفع ترامپ عمل میکند. در هر حال از همین حالا معلوم است هرکدام از این دو در انتخابات آمریکا رای بیآورند مردم جهان بازنده تر از پیش خواهند بود و روان بسیاری چه در خود آمریکا و چه جاهای دیگر جهان پریشانتر خواهد شد. شواهد داستان عصر روانپزشی به

اینها ختم نمی شود. بخاطر فرصت کم نمی شود به چین و روسیه و هند و آفریقا و یا آمریکای لاتین اشاره ای کرد. همینقدر بگویم از آنجا هم خبر امید بخشی نمی رسد. بعنوان یک مثال، میدانیم که چین در بیست سی سال گذشته روند بزرگترین و سریعترین صنعتی شدن در تاریخ را از سر گذرانده است. اما در یک قلم حاصل این تبدیل سریع دهقانان و روستائینشان به پرولتر صنعتی و شهر نشین این بوده که ۷۰ میلیون کودک مجبور شده اند در ده بمانند و همراه مادر و پدر کارگشان به شهر نروند. من دارم حساب میکنم همین یک قلم منشاء چند روانپزشی میتواند بشود؟

اما در مورد خاورمیانه باید چند کلامی بگویم چون علاوه بر اینکه نگارنده این سطور و مخاطبین بلافصلش از این منطقه اند، در عین حال "چشم گردید" این روانپزشی دنیا ظاهرا اینجا نهفته است. به اوضاع وحشتناک سوریه و عراق و ترکیه و یا بحرین و عربستان و ایران نگاه کنید. اینهمه میلیون میلیون پنهانده دربر و جنگزده و خانه خراب چقدر مایه پریشانحالی است؟ اینهمه ظلم و جنایت و تحقیری که از جانب دولت اسرائیل که توسط غرب تا دندان مسلح شده علیه فلسطینی ها و مردم عرب اعمال میشود چقدر سرباز جان بر کف به اسلام کثیف که آنها توسط غرب حمایت میشود اعطاء کرده است؟ از جنایاتی که هر روز دارد توسط دیکتاتوری های حاکم و جریانات اسلامی بر مردم تحمیل میشود میگذرم چون به اندازه کافی شنیده ام. اما اینجا اوضاع چنان بهم ریخته و ناپایدار و ضد بشری است که افتخار جمهوری اسلامی این است که در ایران "امنیت" برقرار است. البته به این قیمت که خود دولت اسلامی هر سه روز دارد چهار نفر را اعدام میکند. نیمی از جمعیت را به زور نیروی انتظامی و گشت ارشاد و مخارج زیاد میکوشد در قفس های متحرک به نام حجاب محبوس کند. استبداد و رعب اسلامی از در و دیوار شهر میریزد تا جایی که ماموران حکومتی به مهمانی های مردم هجوم میبرند که مبادا در خلوت خود دمی به خمر زده و کمری قر داده

## گریبان دزدان و چپاولگران را نباید رها کرد

از صفحه ۱

شرمگین و بی شرم یک جناح حکومت هستند باید گفت کور خوانده اید. نمیشود با این توجیحات مردم را ساکت کرد. کارگر دستمزد ۵ بار زیر خط فقر نمیشود، بیکاران بیمه بیکاری میخواهند، معلمان هم حرفشان را بارها زده اند که منزلت و معیشت انسانی و رفاه را حق خود میدانند. و چرا که نه؟ معلوم است که باید از افشای دزدان و چپاولگران حریف و بیرحم به نفع خود استفاده کنند و میکنند. کارگران و مردم محروم و زحمت کش از تمام جناحهای حکومت متنفرند. و این را به اشکال مختلف هرروز دارند به زبان می آورند. این مردم امروز زبانشان علیه حکومتی ها دراز است. حق بجانب تر میتوانند به این کثافات مفتخور حمله کنند. همه کس از بی عدالتی عظیم و آشکار خشمگین و عصبانی است و حق دارند. این بحث و گفتمان و کشاکش را نباید اجازه دهیم به هیچ بهانه ای زیر فرش کنند. باید حقمان را از گلولی کثیفشان بیرون بکشیم. یک مشت دزد و جنایتکار که تنها هنرشان جنایت و زورگویی است در

در این شرایط فضای جامعه بشدت قطبی شده است. بحث بر سر دزدیها در میان مردم داغ است. اعتراضات مستقیما علیه بی عدالتی های اجتماعی و نابرابری در توزیع ثروت هاست. و این بسیار مهم است. مردم علنا علیه یک اقلیت بی خاصیت و مفتخور و حریص و سرمایه دار در کوچه و خیابان و سرکار حرف میزنند. از حق بدیهی خود برای برخورداری از رفاه و مسکن و درمان سخن میگویند. مستقیما سران حکومت را مورد حمله قرار میدهند. پژواک این اعتراضات حتی به رسانه های حکومتی نیز کشیده شده است. در این میان عده ای از مدافعان جناح به اصطلاح اصلاح طلب حکومت با گفتن این که با افشای فساد مالی اینها میخواهند روحانی را بزنند تا در انتخابات بعدی شرکت نکند، تلاش میکنند روی موضوع خاک بپاشند. به مردم هشدار میدهند که در میدان راستها نیتید. واقعا به این طیف که همان طرفداران

## نگذارید قلبشان از تپش باز ایستد کارزار حمایت از زندانیان محروم از درمان

گزارش عفو بین الملل در رابطه با زندانیان محروم از درمان: "سلامتی آنها به گروگان گرفته شده است"

عفو بین الملل اخیراً گزارشی ۶۶ صفحه‌ای مهمی در رابطه با زندانیان محروم از درمان در زندانهای ایران منتشر کرده است. در این گزارش عفو بین الملل ضمن اشاره به جوانب مختلف محرومیت از درمان و قوانین رژیم اسلامی در ایران به وضعیت تعدادی از زندانیان سیاسی محروم از درمان پرداخته است.

جای خوشحالیست که سازمان عفو بین الملل تصمیم گرفت به طور ویژه به این موضوع بپردازد. گزارش عفو بین الملل اقدام موثری در جهت منعکس کردن محرومیت زندانیان از دارو و درمان میباشد و امیدواریم این گزارش در سطح وسیعی توجه سازمانهای جهانی و مردم در کشورهای مختلف را به این موضوع جلب و آنها را تشویق به اقدام نماید. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی بارها بر اهمیت افشا سیاست رژیم در حذف فیزیکی زندانیان از طریق محروم کردنشان از درمان تأکید کرده است. ما بارها اعلام کرده ایم محروم کردن سیستماتیک زندانیان از دارو و درمان "اعدام خاموش" این زندانیان است. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی برای اولین بار در سال ۲۰۱۲ پس از دریافت گزارشهای مکرر از زندان رجایی شهر مبنی بر محرومیت این زندانیان از درمان، اقدامات خود را جهت جلب توجه سازمانهای جهانی به این موضوع شروع کرد.

محرومیت زندانیان از درمان در طول حاکمیت رژیم در ایران همیشه اهرمی برای فشار بیشتر به زندانی بوده است اما مسئله محرومیت زندانیان از درمان اینبار به طور وسیع، سیستماتیک و هدفمند به کار برده میشود و رژیم قصد دارد از این طریق و در خفا زندانیان سیاسی را از بین ببرد. این تاکتیک رژیم در زندانها طبعاً در ادامه سیاست شکنجه و کشتار رژیم بوده و میباشد اما در حقیقت عقب نشینی رژیم در مقابل اعتراض جهانی علیه

احکام اعدام است. در طول چند سال اخیر هر حکم اعدام زندانی سیاسی با موجی از اعتراض در ایران و در سطح جهان روبرو شده است، برای اکثر زندانیان زیر اعدام کارزارهای وسیعی برگزار شده است و این کارزارها چهره جنایتکار رژیم اسلامی را هر چه بیشتر افشا کرده است.

نکته قابل توجه این بود که در حالیکه این جنایت مرتباً در جریان بود و چندین زندانی به دلیل محرومیت از درمان جان باخته بودند اما حساسیت عمومی و جهانی در مقابل این مسئله دیده نمیشد. حتی در میان برخی از مدافعین آزادی زندانیان سیاسی گاهی گفته میشد که محرومیت از درمان همیشه بوده است و این جدید نیست و چرا باید یک کارزار ویژه داشته باشد. بخشی از کار ما صحبت و روشنگری در مورد این مسئله بود. صحبت ما این بود که باید سیاستهای رژیم را دید و اقدام کرد، محرومیت زندانی از دارو تنها چند مورد همیشگی نیست (هر چند که همان چند مورد هم نباید باشد) این یک حرکت سیستماتیک و هدفمند رژیم است. رژیم میدانند در این دوران با اعدام هر زندانی سیاسی دنیا علیه او بسیج میشود و آبروریزی بیشتری برایش به بار میآورد و به این دلیل است که از روشی کم هزینه تر استفاده کرده و با محرومیت زندانیان از دارو آنها را بدور از چشم جهانیان از بین میبرد و یا در زندان ناتوان و مریضشان میکند. حق سلامتی را از آنها سلب میکند و به این طریق شکنجه تدریجی کرده و جسماً و روحاً نابودشان میکند.

در ماه ژوئن ۲۰۱۲ و به مناسبت بیستم ژوئن - روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی، وضعیت زندانیان زندان رجایی شهر را در یک گزارش چهار صفحه‌ای در جلسه‌ای به هیئت اتحادیه اروپا ارائه داده و از آنها خواستیم که سریعاً اقدام کنند. به نظر میآید

اولین باری بود که این هیئت با چنین گزارش تکان دهنده‌ای روبرو میگردید. یکروز پس از ملاقات، این هیئت گزارش ما را به سفیران اتحادیه اروپا در کشورهای مختلف و از جمله ایران ارسال کرد. در جلسه معرفی سفیر جدید رژیم در بلژیک نیز مسئله زندانیان محروم از درمان در زندان رجایی شهر از سوی کمیته‌های این هیئت مطرح گردید. پس از چند ماه از طریق زندانیان زندان رجایی شهر با خبر شدیم که اندک امکانات پزشکی در اختیار این زندانیان قرار داده شده است و تعدادی را به بیمارستان برده اند، اما این امکانات درمانی بسیار محدود و موقت بود و پس از مدتی این امکان دوباره از زندانیان گرفته شد.

ما اقدام به جمع آوری اطلاعات بیشتری در مورد زندانهای دیگر و موضوع محرومیت از درمان کردیم. خبر درگذشت افشین اسانلو کارگر زندانی در ماه ژوئن ۲۰۱۳ موضوع زندانیان محروم از درمان را هر چه بیشتر مطرح کرد. ما مجدداً با استناد به وضعیت افشین اسانلو در مورد وضعیت زندانیان بیمار به مقامات بین المللی نامه ارسال کرده و خواهان پیگیری این موضوع شدیم. در طول این مدت گزارشات و اخبار زندانیان سیاسی محروم از درمان روز بروز افزایش میافتد و زندانیان سیاسی خواستار این بودند که سریعاً به این موضوع پرداخته شود.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در جواب به این ضرورت و جهت جلب توجه افکار عمومی به وضعیت زندانیان بیمار و اعدامهای خاموش در زندانها، در ماه اکتبر ۲۰۱۳ اقدام به برپایی کارزاری به نام "نگذارید قلبشان از تپش باز ایستد" کرد. کمیته در ابتدا دست به جمع آوری لیست زندانیان محروم از درمان، بیماری و وضعیتشان زد و لیستی ۹۸ نفره را تهیه کرد. طبعاً این لیست تمام زندانیان را در بر نمیگرفت و تعداد محدودی از زندانیان بودند. این

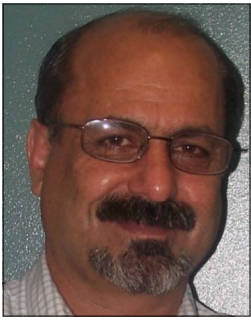
لیست را ما به عنوان سند نمونه در بیان وضعیت وخیم زندانیان سیاسی ارائه داده و به مردم معرفی کردیم. اولین اقدام این کارزار معرفی چهره و وضعیت زندانیان محروم از درمان به مردم بود. این کارزار با یک فعالیت فشرده دو ماهه آغاز گردید. از دهم اکتبر ۲۰۱۳ مصادف با روز جهانی علیه اعدام الی دهم دسامبر ۲۰۱۳ مصادف با روز جهانی حقوق بشر، به مدت دو ماه هر روز عکس و شرح حال یک یا دو زندانی محروم از دارو و درمان به زبان فارسی و انگلیسی در وبلاگهای کمیته و فیس بوک و کلا میدهای اجتماعی پخش میشد. در عین حال طوماری برای امضا و گزارشی سی صفحه‌ای شامل لیست این زندانیان تهیه گردید.

این گزارش به دولتهای اروپایی، کانادا و آمریکا، سازمانهای جهانی و سازمانهای مدافع حقوق انسانی ارائه داده شد. نمایندگان کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ملاقاتها و مکاتبات وسیعی را با اتحادیه اروپا، وزارت خارجه چند دولت اروپایی و دفتر احمد شهید صورت داده و ضمن ارائه این گزارش از آنها خواستند که وضعیت زندانیان سیاسی محروم از درمان را رسماً و به صورت بخش مجزائی در گزارشات جهانی برجسته نموده و به رژیم اسلامی در ایران جهت ارائه امکانات درمانی به این زندانیان فشار بیاورند.

این کمپین از سوی زندانیان سیاسی که زجر عدم دسترسی به درمان را هر روزه تجربه میکردند مورد استقبال قرار گرفت. زندانیان سیاسی تماس میگردند و لیست زندانیان بیمار را ارائه داده و پیام و نامه حمایتی از این کمپین صادر میگردند و دو مورد این نامه‌ها، نامه ۴۷ نفر از زندان سیاسی بند ۳۵۰ زندان اوین و نامه ۲۵ تن از زندان سیاسی زندان رجایی شهر بود. علاوه بر سخنرانی و مصاحبه در رسانه‌های مختلف، اختصاص دادن برنامه تلویزیونی زندانیان

سیاسی به این موضوع و ارائه گزارش و ملاقات با مقامات بین المللی و تماس با سازمانهای جهانی حقوق بشر از جمله سازمان عفو بین الملل، سازمان رهایی از شکنجه، سازمان پزشکان برای حقوق بشر، فدراسیون جهانی کارگران ترانسپورت، کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا، این گزارش همراه با نامه‌ای برای هیئتی که از سوی پارلمان اروپا در دسامبر ۲۰۱۳ به ایران رفت نیز ارسال گردید. در طول این یکسال ما همچنین دست به اقدامات سمبلیک جهت برجسته کردن وضعیت زندانیان سیاسی محروم از درمان زدیم. از جمله در روز ۲۳ اکتبر ۲۰۱۳ همزمان با ارائه گزارش از سوی احمد شهید گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران در مجمع عمومی سازمان ملل یک حرکت اعتراضی تویتری جهت حمایت از زندانیان سیاسی محروم از دارو و درمان فراخوان داده شد. روز ۱۴ فوریه ۲۰۱۴ به مناسبت روز والنتاین (روز عشاق) فراخوان یک حرکت حمایتی را دادیم و در این روز در ۹ شهر دنیا حرکات سمبلیک برگزار شد. به مناسبت نوروز ۱۳۹۳ از مردم خواستیم به زندانیان محروم از درمان در زندانها به مناسبت سال نو نامه بنویسند و به آنها بگویند که مردم نمیگذارند قلبشان از تپش باز ایستد. روز بیستم ژوئن برابر با سی خرداد ۱۳۹۳ روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی را به حمایت از زندانیان محروم از درمان اختصاص دادیم.

پس از یکسال فعالیت مستمر و خستگی ناپذیر فعالین کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران کارزار "نگذارید قلبشان از تپش باز ایستد" با همکاری سایر فعالین مدافع آزادی زندانیان سیاسی موفق شد سیاست شکنجه و "اعدام خاموش" زندانیان توسط رژیم را هر چه بیشتر افشا نموده و



## محسن ابراهیمی

ebrahimi1917@gmail.com

در میان مردمی خسته از سیاستمدارانی دروغپرداز که شبانه روز در مورد مهمترین موضوعات زندگی دروغ تحویلشان میدهند قاعدتا جایی برای شخصیتها و نیروهایی پیدا میشود که خود را متفاوت از دست اندرکاران قدرت حاکم و بویژه اپوزیسیون آنها نشان میدهند. بی اعتمادی به نهادهای سیاسی و احزاب طبقه حاکم در کشورهای سرمایه داری از جمله در دموکراسیهای غرب موج میزند. در متن این بی اعتمادی است که چهره هایی مثل دونالد ترامپ با ملغمه ای از اظهارات و اداهای پوپولیستی در میدان سیاست مطرح میشوند و به امید - اگر چه واهی - بخشهایی از جامعه تبدیل میشوند.

ترامپ عضوی میلیاردر از طبقه سرمایه دار است که خود در حاکمیت طبقه اش نقش مستقیم نداشته است. این یک امتیاز سیاسی برای او در مقابل کاندیداهایی محسوب میشود که در گوشه ای از ساختار سیاسی حاکم کاره ای هستند. جدا از جاه طلبی فردی، آن انگیزه ای که امثال ترامپ را به صحنه سیاسی میکشد موقعیت اقتصادی بحران زده و به تبع آن خطر سیاسی است که کل آن نظمی را تهدید میکند که فرجه برای مولتی میلیاردر شدن امثال ترامپ فراهم کرده است.

این یک احساس غریزی طبقاتی است که افرادی از طبقه سرمایه دار را به تحرك سیاسی وامیبارد. بدون موقعیت امن طبقه، بدون نظم و قانونی که امنیت طبقه از لحاظ اقتصادی حاکم را تامین کند آینده خود افراد طبقه سرمایه دار بشدت تیره است.

بی دلیل نیست که ترامپ در سخنرانی پذیرش کاندیداتوری حزب جمهوریخواه خود را کاندیدی "نظم و قانون و امنیت" معرفی کرد. البته در این ادعا هیچ چیز تازه ای نیست.

# پدیده دونالد ترامپ! (۳)

## جینگوئیسم نابهنگام!

"صدای بی صدایان است!"

### "عظمت را دوباره به آمریکا برمیگردانیم!"

این ترجیح بند اغلب لفاظیها و رجزخوانیهای میهن پرستانه دونالد ترامپ است.

در دنیایی که نظم کهنه دو ابرقدرتی پایان یافته و نظم نوینی که قرار بود جایش بنشیند به گل نشسته است دونالد ترامپ مدعی اعاده عظمت از دست رفته است.

رفتار روسیه در اوکراین و سوریه و رفتار عربستان و ترکیه و ایران تحت حاکمیت مرتجعین شناسنامه دار اسلامی در خاورمیانه را نگاه کنید و کل ماجرا بدستتان میآید. در منطقه خاورمیانه به جای خاورمیانه بزرگ که در آن قرار بود اقتصاد و سیاست توسط آمریکا و غرب مهندسی شود هر دولتی ساز خودش را میزند. او میخواهد شاخ همه این نیروها را که از شکاف میلیتاریسم شکست خورده آمریکا در پایان جهان دوقطبی در منطقه سربلند کرده اند یکشبه بشکند.

چین در حال بلعیدن اقتصاد آمریکاست. ترامپ وعده میدهد با اتکاء به مهارتش در معامله و مذاکره در دنیای کلاهبرداران بساز بفروش درس محکمی به چین بدهد! چون در رقابت میان بساز بفروشها حقه بازتر و در نتیجه موفقتر بوده است پس میتواند بزودی چین را زیر خدمت سرمایه آمریکایی به صف بکشد!

تروویسم اسلامی، هیولایی که هر دو نوع شیعی و سنی اش توسط خود دولتهای وقت آمریکا در ایران و پاکستان سزاین شده است در خنیش را حتی به خاک خود آمریکا دراز کرده است. ترامپ راه حل ساده ای برای حفظ امنیت آمریکاییها از دست تروویسم اسلامی دارد: برپا کردن دیوار مهاجرت در مقابل ورود "مسلمانان" به خاک آمریکا. یعنی با نشانه رفتن به سوی قربانیان تروویسم

اسلامی میخواهد مردم آمریکا را در مقابل تروویسم اسلامی دنبال نخود سیاه بفرستد!

ترامپ با وقاحتی در خور صاحب قمارخانه های بزرگ کارگران مهاجر مکزیک را قاچاقچی، جنایتکار و تجاوزگر خطاب میکند. او در نمایش خیره کننده ای به نام انتخابات آمریکا به هر دری زده است تا خود را همچون یک سیاستمدار قاطع و سرسخت و راهگشا به بازار عرضه کند. یکی از این درها وعده برپا کردن دیواری بلند - به قول خود دیواری زیبا! - در مرزی به طول بیش از ۳۰۰۰ کیلومتر است. دیواری که هزینه اش را هم دولت مکزیک (لابد از جیب کارگران مکزیک) خواهد پرداخت. او ابلهانه تصور میکند چون بر دوش کارگران مهاجر برجهای بلندی ساخته است پس میتواند دیوار بلندی در مقابل همان کارگران هم بسازد!

باز گرداندن عظمت از دست رفته آنها یکشبه آنها با لفاظیها و رجزخوانیهای راسیستی برآستی "مردی بزرگ" میخواهد. مردی که حتی اگر بزرگ هم نباشد بتواند ادای مردان بزرگ را در بیاورد. همه ادعاهای توخالی ترامپ و محافل دور و برش در حزب جمهوریخواه تلاش مذبحخانه ای برای نقاشی چنین مرد قدرتمند از شومین میلیاردری به نام ترامپ است.

ترامپ در در گردهم آیی سراسری حزب جمهوریخواه گفت: "برای همه شما پیامی دارم: جنایت و خشونت که امروز کشور ما را مبتلا کرده به زودی پایان خواهد یافت. از ژانویه ۲۰۱۷ امنیت باز خواهد گشت." دقت کنید. روزی که این دلقک سیاسی از جبهه ارتجاع و راسیسم به کاخ سفید قدم بگذارد همه مشکلات خلق الله حل خواهد شد. آیا همین به اندازه کافی توخالی بودن و محتوای بی پایه این تروویک سیاسی را نشان نمیدهد؟

تصاویر دروغین از مشکلات و

ریشه هایشان، راه حلهای کاریکاتوری برای رفع این مشکلات فقط از عهده میلیاردر خودشیفته ای برمیآید که خود به نحوی تجسم فردی و شخصی عظمتی از دست رفته است. او آینه تمام نمایی از بحرانها و تناقضات و معضلات بنیادی اقتصادی، سیاسی و ایندولژیک سرمایه داری در بحران است. او پرسوناژ نوستالژیک سرمایه داری در بحران، سیاستهای به گل نشسته، ایندولژوی نظم نوینی شکست خورده است. او نماینده آمریکای سفید، مرد، ماچو، سکسیست و راسیست در دنیایی است که هنوز فریاد اشغال میدانها در فضایش طنین انداز است.

او میخواهد در دنیای که مشتهای گره کرده جرج بوش با مشتهای باز اوپاما جایگزین شده است، مجددا نقش مشت گره کرده را بازی کند. او تصور میکند میتواند نزول اقتصادی آمریکا را با جینگوئیسم سیاسی حل کند. او آب در هاون میکوبد چون میخواهد قهرمان یک جینگوئیسم نابهنگام شود!

اما رقابتها و کشمکشهای قدرتهای ارتجاعی که همین الان دنیا را به لجن کشیده اند فقط وجهی در معادلات و تقابلهای کشمکشهای سیاسی است. بنیاد اصلی همه این تنازعات، کشمکشهای پایه ای تر میان همه نیروهای کمپ ارتجاع - از غرب گرفته تا شرق - از یکطرف و جنبشی است که در آمریکا با اشغال وال استریت مشهور شده است. قهرمان قلابی نجات نظم نوین شکست خورده، حتی اگر به کاخ سفید راه یابد بی تردید در گام اول باید با این جنبش در بیافتد. به این در بخش بعدی این سلسله مقالات خواهیم پرداخت.

ادامه دارد ....

۲۸ ژانویه ۲۰۱۶، ۷ مرداد

۱۳۹۵

## یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

### تروریسم اسلامی

## و گنبدیگی سرمایه داری عصر ما

گسترش حملات تروریستی داعش در هفته گذشته - در شهر آنسباخ آلمان، در نرماندی فرانسه، و حملات انفجاری در کابل و در شهر کردنشین قاشلی در شمال سوریه - نشانه عمق توحش و جنایت و افسار گسیختگی جنبش اسلام سیاسی است. ریشه و منشاء این توحش نه عقیدتی - مکتبی است و نه باورها و عقاید و تعصبات مردم منسوب به اسلام. از عمر قرآن و اسلام با همه آیات و احکام ضد انسانی اش بیش از ۱۴ قرن میگذرد اما جمهوری اسلامی و القاعده و داعش و بوکوحرام محصول چند دهه اخیر هستند. اساس مساله سیاسی شدن اسلام و استیصال و گنبدیگی سرمایه جهانی است که در چند دهه اخیر به اسلام سیاسی نیازمند بوده و به این جنبش فوق ارتجاعی شکل داده است. اساس مساله نیروها و دولتهای مافوق ارتجاعی هستند که در شرایط پس از جنگ سرد بوسیله کمپ پیروز یعنی دولت آمریکا و متحدین غربی اش بجلو رانده شدند.

علت وجودی و ارزش مصرف نیروها و دولتهای اسلامی برای بورژوازی جهانی - از مقطع بجلو راندن خمینی در برابر انقلاب ایران تا امروز را میتوان به سه دوره تقسیم کرد:

اول دوره مقابله با شوروی با استراتژی ایجاد کمر بند سبز بدور شوروی در دهه هشتاد که به مسلط کردن خمینی به انقلاب ایران و ایجاد طالبان در افغانستان منجر شد. دوم دوره افسار گسیختگی نیروهای اسلامی پس از فروپاشی شوروی و هجوم نظامی دولت آمریکا و متحدینش به افغانستان و عراق؛ القاعده و دولتهای قومی - اسلامی در عراق و افغانستان و بمیدان آمدن انواع نیروهای قومی - مذهبی در منطقه خاورمیانه و شمال افریقا محصول این دوره است. و بالاخره دوره سوم دوره پس از شکست استراتژی هژمونی طلبانه میلیتاریستی آمریکا است که یک نوع خلاء سیاسی در خاورمیانه ایجاد کرد و به بلکوبندیهای درونی در جنبش اسلام سیاسی و تلاش این بلوکها برای پر کردن این خلاء و به کرسی نشاندن قدرت خود در منطقه شکل داد. داعش با ادعای احیای خلافت اسلامی محصول این دوره است.

جنایت و توحش این نیروهای اسلامی را باید بپای خودشان نوشت اما در عین حال نباید فراموش کرد که علت وجودی این توحش، درماندگی و بی اقبی بورژوازی غرب و بورژوازی منطقه و در تحلیل نهایی حاصل تلاش آنها در مقابله با چپ و کمونیسم و توده مردمی است که پیروزی کمپ بازار آزاد بر بلوک شرق به جز بی حقوقی و فقر و ریاضت کشی اقتصادی و بزییر سئوال رفتن و نفی

## توهین به مردم آذربایجان: ناسیونالیسم پاسخ نیست

و رضائیه - همچنین در اعتراضات مردم آذربایجان نسبت به موارد قبلی که اشاره شد - شعارهای ناسیونالیستی ضد فارس و بویژه افتخار به فرهنگ و هویت ملی خود جایگاه نسبتاً برجسته ای داشت.

ظاهراً این یک نوع عکس العمل خودبخودی و اعتراض "طبیعی" از جانب مردمی است که زبان و فرهنگ آنان به مسخره گرفته شده است اما علت اصلی چیز دیگری است. اینجا هیچ چیز طبیعی و خودبخودی ای وجود ندارد. علت واقعی تعصبات و نفرت قومی -

ملی است که بوسیله نیروهای ناسیونالیست فارس و ترک هر دو دامن زده میشود. ناسیونالیسم فارس و ناسیونالیسم ترک و هر نوع تفکر ناسیونالیستی مستقل از مردم و زبانی که مدعی دفاع از آنست تماماً در مقابل و در ضدیت با انسانیت و ارزشهای یکسان و جهانشمولی قرار میگیرد که مردم سراسر ایران در آذربایجان و کردستان و خوزستان و بلوچستان و شیراز و اصفهان و تهران و مردم سراسر جهان را نمایندگی میکند و به هم پیوند میدهد. ناسیونالیسم در هر شکل و قامتی راه حل ستم ملی نیست، موجد و مسبب آنست. توهین و تحقیر مردم آذربایجان عملی شنیع و ضد انسانی است که باید قاطعانه محکوم و با آن مقابله بشود اما عامل و بانی آن نه "فارسها" بلکه جمهوری اسلامی است که با تفرقه افکنی ملی و مذهبی تلاش میکند پایه های حکومت لزان خود را مستحکم کند.

مردم تبریز و رضائیه و دیگر شهرهای آذربایجان حق دارند علیه توهین و تحقیری که در حق آنها روا میشود دست به اعتراض و تظاهرات بزنند اما نیروهای ناسیونالیسم ترک به این صف متعلق نیستند. راه مقابله با ستم

روز سه شنبه ۵ مرداد ماه صدها نفر از مردم تبریز و رضائیه در اعتراض به توهین به مردم آذربایجان در روزنامه طرح نو دست به تظاهرات زدند که به زد خورد با نیروهای یگان ویژه منجر شد و عده ای بازداشت شدند. در روزنامه طرح نو که در تبریز منتشر میشود در مقاله ای در مورد شاهنامه از زبان رستم گفته میشود: "ما تورانیان را مرد نمی دانیم که همه یکسره ززند و تو ای ترک بد نژاد برای جنگ با مردان ساخته نشده ای برو مانند زنان پنبه و دوک دست بگیر".

این توهینی است از زبان یک شونیست ضد زن علیه مردم آذربایجان و همه مردم ترک زبان. این اولین بار نیست که نشریات جمهوری اسلامی به ترک زبانان توهین میکنند. سال گذشته برنامه تلویزیونی فتیله به مردم آذربایجان اهانت کرد و چند سال قبل نیز در کاریکاتوری در روزنامه ایران و در مقاله ای در روزنامه آفتاب یزد مردم آذربایجان مورد تمسخر و توهین قرار گرفته بودند.

همه این موارد با تظاهرات و اعتراضات مردم آذربایجان پاسخ گرفته است. این اعتراضات کاملاً بر حق است اما این شرایط زمینه را برای عرض اندام نیروهای ناسیونالیسم ترک نیز فراهم آورده است. توهین به زبان مادری و مردم منسوب به ملیتهای دیگر متداول ترین و بارزترین نمونه ستم ملی است و در ایران بخصوص مردم آذربایجان آماج این نوع توهین و تحقیر ها بوده اند. اما باید در برابر تبلیغات ضد فارس و نفرت پراکنی های نیروهای ناسیونالیست ترک کاملاً هشیار بود. باید توجه داشت که یک عارضه ستم و تبعیض ملی تقویت ناسیونالیسم "خودی" در میان مردم تحت این ستم و دامن زدن به شکاف و تفرقه ملی بین مردم منسوب به ملل مختلف است. در تظاهرات اخیر مردم تبریز

سکولاریسم و مدرنیسم و پایه ای ترین ارزشها و مبانی مدنیت و جامعه مدنی ثمری برای آنها نداشته است. اسلام سیاسی هویت ایدئولوژیک خود را از قرآن و احکام پوسیده و فوق ارتجاعی اسلام در هزار و چهار صد سال قبل کسب میکند و ارزش مصرف سیاسی خود را از نیازمندیهای امروز بورژوازی به بن بست رسیده و به قهقرا کشیده شده. دولتها و مقامات و رسانه های غربی که این روزها بدنبال علل و ریشه های گسترش عملیات تروریستی میگردند، ریشه ها و خصلت سیاسی تروریسم اسلامی را نمی بینند و نمیتوانند ببینند چون مستقیماً پای خودشان بمیان کشیده میشود. ترجیح میدهند مساله را در سطح برخورد تمدنها و دشمنی مسلمانان با فرهنگ و سبک زندگی غربی و یا محترم بودن دین اسلام و "هایجک" شدن اسلام بوسیله تروریستها توضیح بدهند. این نوع تحلیلها و موضعگیریها تنها سطح دیگری از نقش بورژوازی جهانی در شکل گیری اسلام سیاسی را بر ملا میکند: یعنی نقش ایدئولوژیک - فلسفی - نظری ای که دکترین ارتجاعی پست مدرنیسم و نسبیت فرهنگی در توجیه و حقانیت دادن به شاخه های مختلف اسلام سیاسی ایفا میکند. تنها بر متن عقب نشستن بورژوازی جهانی از مبانی جامعه مدنی و مدرنیسم و ارزشهای یکسان و جهانشمول انسانی است که نیروئی مثل داعش میتواند مدعی برپایی خلافت صدر اسلام بشود و دولتی مثل جمهوری اسلامی عقب مانده ترین قوانین و احکام ضد زن و ضد انسانی را بعنوان فرهنگ و تمدن اسلامی بر جامعه تحمیل کند. حتی گسترش اسلام باصطلاح میانه رو در کشورهای اروپائی - از حجاب و برقع تا مسجد سازی و مدارس اسلامی و قتلهای ناموسی و غیره - شمره پست مدرنیسم و نفی جهانشمولی حقوق انسانی در تفکر غرب است.

کلید مساله در دست کمونیستها است. نه بوشیسم و اوپامانیسم و نه راسیسم و پست مدرنیسم و نه چپ "ضد امپریالیست" طرفدار حسن نصرالله پاسخ مسله نیستند. اینها همه بخشی از صورت مساله اند. عقب راندن و به شکست کشاندن تروریسم کور و وحشیانه ای که امروز از کشورهای منطقه تا فرانسه و بلژیک و آلمان و آمریکا را فراگرفته قبل از هر چیز در گرو نقد عمیق سرمایه داری گنبدیگی دوران پسا جنگ سرد است. اسلام سیاسی حاصل و عارضه بحران همه جانبه بورژوازی در عصر ما است و تنها با پرچم سوسیالیسم و نقد سوسیالیستی دنیای به قهقرا کشیده شده معاصر میتوان به مقابله با آن برخاست.



# کارگران در هفته ای که گذشت

## شهلا دانشفر

بیکاری میلیونی جوانان و خیل عظیم بیکاران در جامعه، بی‌تامینی مطلق مردم رها شده در چنگ فقر و فلاکت، یازده میلیون حاشیه‌نشین و در مقابلش سونامی حقوق‌های نجومی بحث‌های داغ این روزهاست. از جمله در این هفته محسن رنانی استاد اقتصاد دانشگاه اصفهان طی یک سخنرانی در همایش «افزایش مقاومت، تنوع تولید» در دانشگاه بهشتی از قرار گرفتن اقتصاد ایران در آستانه بن بست سخن گفت و رکود اقتصادی کنونی را عمیق‌ترین رکود اقتصاد ایران در سالهای پس از جنگ جهانی دوم میخواند. او در این سخنان از بمب بیکاری ۵ میلیونی دانش‌آموختگان سخن گفته و از بحران رکود به عنوان مهم‌ترین بحران سخن میگوید و همه‌تاکیدش بر آشتی ملی است و بر این که اگر علیه بحران‌هایی که گریبانگیر نظام‌ها شده است، قیام نکنند کل ساختار سیاسی فرو میریزد، هشدار میدهد. این گفته‌ها پیش از هر چیز بیانگر فضای اعتراض در میان کارگران و کل جامعه است. در این نوشته به گوشه‌هایی از این بحث‌نگاهی میندازیم. در عین حال نگاهی به سرتیترهای مهم اخبار اعتراضی کارگری، تصویری گویا از فضای اعتراض در میان کارگران بدست میدهد.

## بمب بیکاری ۵ میلیونی دانش‌آموختگان

بیکاری ابعاد بسیار وسیع و میلیونی در ایران دارد. این میلیونها کارگر و جوان و تحصیلکرده بیکار که همگی بخشی از طبقه کارگر هستند، حق دارند زندگی انسانی داشته باشند و باید به آنها بیمه بیکاری مکفی پرداخت شود. فضای اعتراضی در میان بیکاران اکنون در همه جا بازتاب دارد. سخنرانی محسن رنانی در سخنرانی اش اقتصاد ایران را در آستانه بن بست کامل میدانند و میگوید هیچ راه حل اقتصادی ای برای اقتصاد وجود ندارد. بلکه اگر راهی وجود داشته باشد راه حل سیاسی است. او در مورد بمب بیکاری و انفجار بیکاران به مقامات

حکومت هشدار میدهد.

رنانی در سخنانش از سوخت شدن برجام و از دست دادن فرصت طلایی اثرگذاری آن سخن میگوید. از بحران هم افتادن مقامات حکومتی به عنوان یک فاکتور مهم در بحران اقتصادی جمهوری اسلامی آن و به بن بست رسیدن سخن میگوید. و بعد هم راهکارش برای نجات نظام از این بن بست، «اجماع و عزم نظام سیاسی برای ایجاد افق امید بخش و آینده‌ای بی‌انگام در فضای سیاسی و اقتصادی» کشور است.

بدنبال این گفته‌ها رنانی از بحران رکود و تبعات اجتماعی آن هشدار میدهد و میگوید: «امروز سه مساله بحرانی و خطرناک، شامل رکود، بحران آب و فساد در کشور وجود دارد که اگر به سرعت برای حل آنها قیام نکنیم کل ساختار سیاسی را در هم می‌ریزد. این‌ها دشمنان اصلی جامعه ما هستند که به گمان من مساله بحران رکود از دو بحران دیگر خطرناک‌تر و عاجل‌تر است. بنابراین باید گفت امروز رکود مهم‌ترین مساله نظام سیاسی کشور است و اگر از اندک فرصت‌های باقی مانده برای درمان آن استفاده نشود، به زودی امواج ورشکستگی‌ها، بیکاری کارگران، فقر حاشیه‌نشینان و سایر مسایل اجتماعی بحران‌هایی ایجاد می‌کند که کل کشور را به مخاطره می‌اندازد.

سپس ادامه داده و میگوید: «من به عنوان کسی که یک سال قبل از اجرای هدفمندی یارانه‌ها در مناظره با مشاور اقتصادی رئیس دولت دهم اعلام کردم هدفمندی با این شیوه بیش از ۶ ماه تا یک سال بیشتر دوام نمی‌آورد و نه تنها شکست می‌خورد و به اعتبار دولت آسیب می‌زند بلکه پیامدهای خطرناکی برای اقتصاد ایران و نظام سیاسی دارد، اکنون نیز اعلام می‌کنم اگر نظام سیاسی برای خروج از رکود قیام نکند و اقتصاد ما وارد بن بست شود، برای ۳ تا ۵ سال آینده نخواهیم توانست اقتصاد را از رکود خارج کنیم و این، با توجه به وجود ده میلیون بیکار و یازده میلیون حاشیه‌نشین، خیلی خطرناک است.»

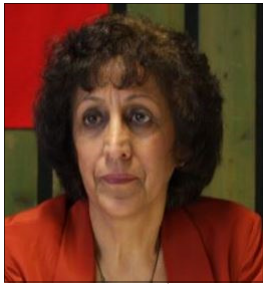
در ادامه این گفته‌هاست که او به بمب ۵ میلیونی دانش‌آموختگان بیکاری که وارد باز کار میشوند، اشاره می‌کند. از خطر وجود ده میلیون بیکار و یازده میلیون حاشیه‌نشین می‌گوید. و کل حکومت را به قیام در برابر این مصیبتی که گریبان کل نظام‌ها را گرفته، فرا میخواند. رنانی در سخنانش از ورود هر ساله یک میلیون نفر به بازار کار سخن می‌گوید و با آمار و ارقام نشان میدهد که در ظرف ده سال یعنی از سال ۸۴ تا ۹۳ تنها به اندازه یک میلیون نفر به کار اشتغال پیدا کرده‌اند و این رقم یک چهارم افزایش اشتغال در فاصله زمانی ۷۴ تا ۸۴ بوده است. او سپس در نقد مرکز آمار دولتی که در آن کسی که به مدت ۴ هفته به جست و جوی کار نرفته است، بیکار محسوب نمیشود، با این استدلال که اینان بعد از رفتن دنبال کار و ناامید شدن از پیدا کردن کار، دیگر دنبال کار نرفته‌اند، تاکید میکند که این ۵ میلیون باید بیکار محسوب شوند و بعد هشدار میدهد که سرخوردگی ۵ میلیون بیکار اکنون به یک بمب اجتماعی تبدیل شده است که اگر منفجر شود ابعاد آن تمام حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی را در بر میگیرد.

اگر به استدلالات رنانی توجه کنید می‌بینید که سخنان او بیش از هر چیز بیانگر تشتت درون حکومت، بیانگر اقتصاد به گل نشسته جمهوری اسلامی و شکست همه امیدها و تئوریش‌ها و در عین حال بیانگر وحشت حکومت اسلامی و اقتصاد دانانش از اوضاع انفجاری جامعه است.

این اولین بار نیست که از جمعیت میلیونی جوانان بیکار سخن در میان است. قبلاً نیز مقامات حکومتی از سونامی بیکاری و بحران بیکاری در میان جوانان هشدار دادند. اما تفاوت اینجاست که امروز این سخنان در شرایط متفاوتی بر زبان آورده میشود. و این هشدارها در شرایطی است که از یکسو صف حکومتیان از هر وقت متشتت‌تر و به هم ریخته‌تر است. اقتصاد جامعه به گفته خودشان در بن بست قرار دارد

و بحث داغ حقوق‌های نجومی و دستمزدهای زیر خط فقر نیز بر وخامت اوضاع شدت داده و موجب تکانهای جدی در درون حکومت شده است. در این اوضاع مردم به خشم آمده از این همه نابرابری و بربریت به خشم آمده و متعرض‌تر از هر وقت حق و حقوقشان را میخواهند. از جمله اعتراضات کارگری هر روز گسترده‌تر میشود، جنبش‌های اجتماعی هر روز سازمانیافته‌تر و متعرض‌تر به جلو می‌آید. و جنبش علیه بیکاری نیز دارد راه خود را باز میکند و این جنبشی است که به گفته رنانی یک بمب انفجاری است. جنبشی است که صف آن میلیونی و عظیم است و تنها یک قلمش ۵ میلیون دانش‌آموختگانی هستند که تازه وارد بازار کار شده‌اند. یک نمونه از تحرکات این جنبش در هفته گذشته بود که جوانان جویای کار در ماهشهر در مقابل فرمانداری شهر جمع شدند و خواهان کار شدند. و این میتواند جرقه‌ای از انفجار همان بمب ۵ میلیون جوان بیکار و ده میلیون بیکاری باشد که رنانی هشدارش را میدهد.

خلاصه کلام این‌که امروز بهترین فرصت است که کارگران و مردم معترض با خواسته‌هایشان جلو بیایند. میلیونها جوان بیکار و خیل عظیم بیکاران صف اعتراضشان را شکل دهند و با خواست یا کار یا بیمه بیکاری به اعتراض برخیزند. کارگران، معلمان و ۹۹ درصد‌های محروم جامعه در برابر حقوق‌های نجومی یک درصدی‌های مفتخور خواستار، افزایش فوری دستمزدهایشان در قدم اول به رقم سه میلیون و پانصد هزار تومان شوند. بر خواسته‌های مهمی چون درمان رایگان و تحصیل رایگان و تسهیلات لازم برای تامین مسکن بگویند. بحران اقتصادی جمهوری اسلامی، بحرانی سیاسی است و راه نجاتی برای آن نیست. این بحران کل حکومت را با خود خرد خواهد کرد. راه برون رفت برای ما مردم برای رهایی از این بربریت و توحش جارو کردن کل بساط سرمایه داران حاکم است.



## احضار مظفر صالح نیا و شریف ساعد پناه به دادگاه سندج

روز ۴ مرداد مظفر صالح نیا عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران به شعبه چهار بازپرسی دادگاه سندج احضار شد. قبل از آن نیز شریف ساعد پناه در ۳۰ تیر به اداره اطلاعات شهر سندج احضار شد. اتهامات وارده بر مظفر صالح نیا و شریف ساعد پناه، از نوع همان اتهامات با انگ امنیتی است. در جلسه بازپرسی مظفر صالح نیا رئیس شعبه اتحادیه آزاد کارگران ایران را غیرقانونی عنوان کرده و مظفر را به تبلیغ علیه نظام و عضویت در اتحادیه آزاد کارگران ایران متهم نمود. همچنین او در رابطه با حمایتش از جعفر عظیم زاده مورد بازجویی قرار گرفت. مظفر صالح نیا ضمن رد اتهامات امنیتی از جمله تبلیغ علیه نظام، از کلیه فعالیت‌های اتحادیه و فعالیت‌های کارگری خود به ویژه حمایت از جعفر عظیم زاده به عنوان حق انسانی خود دفاع کرد. شریف ساعد پناه نیز در اداره اطلاعات شهر سندج به مدت چند ساعت به خاطر شرکت در گلگشت حمایت از جعفر عظیم زاده و غذای وی و عکس گرفتن با پلاکارد "جان جعفر عظیم زاده در خطر است" و همچنین در مورد فعالیت‌های اتحادیه آزاد کارگران ایران زیر بازجویی قرار گرفت. مظفر صالح نیا و شریف ساعد پناه با رد اتهامات وارده بر مبارزات برحق خود و تشکلشان در اتحادیه آزاد دفاع کردند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران در اطلاعیه‌ای در رابطه با این اتفاقات، بر حق تشکل، حق دفاع از حقوق انسانی و حذف اتهامات امنیتی علیه فعالین تاکید گذاشت. کمپین علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض و

## عصر روانپزشی!

از صفحه ۲

باشند. اغلب جمعیت نه فقط محتاج نان شب است بلکه یواش یواش دیگر حتی نمی شود نفس هم کشید. اینجا منظره شهر نه فقط از بالای پل بلکه همیشه و همه جا و از هر زاویه مکرر است.

هنوز میشود ادامه داد اما اجازه دهید این داستان ملال آور را خلاصه کنم. این عصر روانپزشی در واقع داستان سرمایه داری سه چهار دهه اخیر و بویژه بعد از بحران ۲۰۰۷ به اینسو است. خیلی فشرده ماجرا بنظر من از این قرار است: از لحاظ اقتصادی اکنون سرمایه داری در یکی از بحران خیز ترین مقاطعش قرار دارد که تنها با اوایل قرن بیستم قابل مقایسه است که آن بحران با یک دوره سخت و از جمله دو جنگ خانمناز جهانی برای مدتی مرتفع شد. در مقابل این بحران ساختاری و

جهانی بورژوازی آلترناتیو روشنی ندارد. آنچه که میدان ریاضت کشی و ریاضت کشی و نابودی بیشتر مردم است. از لحاظ سیاسی نیز سرمایه داری وضع تعریفی ندارد. با یک بحران حکومتی گسترده روبروست که فقط به اوضاع بلبشو خاورمیانه و ظهور امثال داعش و غیره محدود نیست. در همان اروپا و آمریکا هم سیستم دمکراسی غربی دیگر کارایی ندارد و قادر به رتق و فتق امور بورژوازی نیست. از لحاظ اجتماعی فقر و نابرابری و بردگی مزدی و حاکمیت بانکها امان از همه بشریت بریده است و همه تناقضات و اصطکاک ها را بمراتب تشدید کرده است. به اینها البته باید بحران جدی زیست محیطی را هم که بیش از هر چیز محصول حرص و طمع سرمایه برای تولید سود است را نیز افزود. در چنین شرایطی است که روانپزشی نه فقط گسترده میشود بلکه در خلاء وجود یک جنبش رهایی بخش و متحد کننده انسانها برای خروج از این بن بست، به

## نگذارید قلبشان ...

از صفحه ۳

میکنند تا افکار عمومی توجه بیشتری به موضوع زندانیان محروم از درمان کرده و فشار موثرتری به رژیم بیاورند. هر چند که علیرغم انعکاس وضعیت زندانیان محروم از درمان، سازمانهای جهانی هنوز به طور موثر به رژیم جهت ارائه امکانات درمانی به زندانیان فشار نیاورده اند و تعداد وسیعی از زندانیان همچنان از امکانات

درمانی محروم بوده و رژیم از هر فرصتی برای اعمال فشار بر این زندانیان استفاده میکند.

کارزار "نگذارید قلبشان از تپش باز ایستد" متوقف نشده و ادامه دارد. این کارزار همچنان جمع آوری اسامی زندانیان محروم از درمان، خیر رسانی، ارائه گزارش به سازمانهای جهانی و بسیج مردم علیه سیاست شکنجه و کشتار رژیم را در دستور دارد. این کارزار باید اهرم فشاری بر سازمانهای جهانی و

## توهین به مردم ...

از صفحه ۵

ملی افتخار به "هویت ملی خود" و ضدیت با "ملیت غیر خودی" نیست بلکه تاکید بر هویت و آمل

یک نرم و به یک وضعیت حاکم تبدیل میشود. بعبارت دیگر این عصر روانپزشی فقط حاکی از بن بست های سرمایه داری نیست، بلکه حکایت از آن دارد که آن نیروی اجتماعی و طبقاتی که باید این وضع را عوض کند، یعنی طبقه کارگر و همه انسانهای شریف و آزادیخواه، خود هنوز آماده نیست.

این سوال اکنون زخم تر از هر وقت مقابل بشریت قرار گرفته است: آیا سرمایه داری بشریت را نابود میکند و یا بشریت سرمایه داری را؟ پاسخ این سوال از پیش روشن نیست. بستگی به فعالیت و تلاش همه ما انسانها برای نجات خودمان و کره زیبای زمین از شر سرمایه داری دارد. اگر عاشق زمین و انسان هستید پس باید هرچه پرشورتر و وسیع تر به این تلاش پیوست و دست به دست هم داد. کمترین نفعش این است که لااقل از شر روانپزشی ایمن میشویم!

۲۷ جولای ۲۰۱۷

دولتهای وابسته به آنها باشد و اجازه ندهد این سازمانها چشمان خود را بر وضعیت زندانیان سیاسی ببندند. این کارزار باید هر چه وسیعتر علیه شکنجه زندانیان و "اعدامهای خاموش" به میدان آمده و سیاست محروم کردن زندانیان از درمان را افشا کند و اجازه ندهد رژیم زندانیان را به قتل برساند. کارزار "نگذارید قلبشان از تپش باز ایستد" به کمک و همکاری شما نیاز دارد. طومارحمایت از این زندانیان را امضا و در سطح وسیعی پخش کنید. زندانیان سیاسی محروم از درمان به کمک شما نیاز دارند.

شیوا محبوبی

سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران

بیست و ششم ماه جولای ۲۰۱۶

برابر با پنجم مرداد ۱۳۹۵  
www.iranpoliticalprisoners.com

به مردم آذربایجان باید علیه جمهوری اسلامی و با پرچم انسانیت و ارزشهای یکسان انسانی به اعتراض برخاست.

مردم قرار میگرد. در مقابل توهین

## جای کودکان شرکت در اعدام در ملامع نیست!

## نسان نوپینان

معیشتی کنونی شده اند. هزاران نفر کودکان ما هر ساله بر اثر فقر مالی، بر اثر بیکاری مادر و پدر کارگر از تحصیل و نشستن پشت میز تحصیل محروم میشوند! ده ها هزار نفر از کودکان ما در اثر نابرابری اجتماعی کودکان کار و خیابان شده اند!

ده ها هزار نفر از کودکان ما بر اثر شکاف طبقاتی و فاصله عمیق ۹۹ درصدی های جامعه با ۱ درصدی ها با دولتی ها، با دستگاه حاکمه و بیت رهبری با سپاه پاسداران و بورژواها و صاحبان فیش های حقوقی میلیونی، به اعتیاد و فحشا و بی سربناهی کشیده شده اند!

اینها تبعات طبقاتی - سیاسی حاکمیت فاشیسم اسلامی در ایران است. این مصائب هر روز جان کودکان ما را میگیرد. اینها کافی نیستند!

چرا باید کودکان ما در اعدام در ملامع شرکت کنند؟ دیگر بس است.

مردم و جامعه! ما و شما! نهادهای مدنی! فعالین حقوق کودک، فعالین کارگران، معلمان و زنان نگذارید کودکان ما شاهد شنیعترین مجازات، قصاص و اعدام باشند!

کودکان مقدمند! مدرسه و کلاسهای موزیک، ورزش و کلوب تاتر و موسیقی و نقاشی و آواز خوانی، شنا و استخر، رفاه و امنیت جانی و مالی، تحصیل و نشستن پشت میزهای مدرسه جای کودکان ما است!

حضور چشمگیر کودکان و دیدن صحنه های اعدام در سنقر شرم آور است!

در نظام های فاشیستی مرسوم است که به کودکان کشتن بیاموزند

و حضور آنها را در میادین اعدام آزاد میکنند. جمهوری اسلامی نظامی فاشیستی است.

باید برای به زیر کشیدن این نظام اسلامی سرمایه با تمام نیرو به میدان بیاییم.

دوشنبه چهارم مردادماه، حکم اعدام یک زندانی در محلی متروکه بنام "آنبار نفت" در خارج شهر سنقر اجرا گردید. گفته می شود در میدان اجرای حکم، آنچه که چشمگیر بوده و موضوع بحث های زیادی در بین مردم شده است، حضور کودکان در میدان اجرای حکم بوده است

اعدام در میدان و خیابانها توسط جمهوری اسلامی انجام میشود. ایران تحت حاکمیت فاشیسم اسلامی شاخصترین مملکت در دنیا است که تقریباً بیشترین اعدام ها در ملامع، در خیابان ها و میادین آن اجرا میشود! فقها، حقوقدانان سیستم قضایی دادگاه ها در جمهوری اسلامی مجازاتهای اعدام و قصاص در ملاء عام را صادر میکنند!

جمهوری اسلامی آگاهانه شرایط شرکت کودکان در اعدام در ملامع را فراهم میکند.

تماشای اعدام اثرات ناگوری در روان کودکان بجای میگذارد از جمله:

کودکی که اعدام در ملامع را میبیند، گرایش به پرخاشگری و رفتارهای پرخاشجویانه در او تقویت میشود!

در کودک گرایش به انتقام، ارتکاب جرم و قساوت(سنگدلی) تقویت میشود!

زندگی و جان سایر انسانها در نزد کودک بی ارزش میشود، به کودک یاد داده میشود که می توان به آسانی جان انسانها را گرفت.

افسردگی و تمایل به خودکشی می تواند از دیگر عوارض تماشای صحنه قتل سایر انسانها بویژه در بین کودک باشد.

جای کودکان شرکت در مراسم اعدام در ملامع نیست! مردم در سطح میلیونی باید این شعار را در همه جا همه مکانها در محل زندگی و مراوده اجتماعی بلند کنند.

کودکان ما به اندازه کافی طعمه نابسامانی اقتصادی و اوضاع

## تجمع اعتراضی کارگران ایران ترانسفوی زنجان

بنا به اخبار منتشر شده در رسانه های دولتی ۱۰۰۰ کارگر کارخانه

ایران ترانسفوی زنجان در اعتراض به خطراتادن امنیت شغلی و عدم پرداخت بیمه تکمیلی و تغییر قراردادهايشان در تاریخ ۵ مرداد ماه، دست دست به تجمع اعتراضی در محوطه کارخانه زدند.

لازم به توضیح است که بنا به همین خبر کارفرما از چند ماه قبل اعمال سیاست خصوصی سازی در این واحد و واگذاری آن به بخش خصوصی را شروع کرده است. سیاستی که دست کارفرماها در حمله به معیشت کارگران را بازتر میکند.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت از اعتراض کارگران کارخانه ایران ترانسفوی زنجان، کارگران را فرا میخواند که با گسترش اعتراضات خود اجازه ندهند امنیت شغلی شان

بنا به اخبار منتشر شده در رسانه های دولتی ۱۰۰۰ کارگر کارخانه ایران ترانسفوی زنجان در اعتراض به خطراتادن امنیت شغلی و عدم پرداخت بیمه تکمیلی و تغییر قراردادهايشان در تاریخ ۵ مرداد ماه، دست دست به تجمع اعتراضی در محوطه کارخانه زدند.

لازم به توضیح است که بنا به همین خبر کارفرما از چند ماه قبل اعمال سیاست خصوصی سازی در این واحد و واگذاری آن به بخش خصوصی را شروع کرده است. سیاستی که دست کارفرماها در حمله به معیشت کارگران را بازتر میکند.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت از اعتراض کارگران کارخانه ایران ترانسفوی زنجان، کارگران را فرا میخواند که با گسترش اعتراضات خود اجازه ندهند امنیت شغلی شان

“آخال در نظم عمومی” علیه او که مصادیق آن کمک و مشاوره به کارگران اعصابی کارخانه نورد و لوله صفا، تحریک کارگران کارخانه پروفیل سازه به اعتصاب، تشکیل اتحادیه آزاد کارگران ایران، قرار گرفتن در راس این اتحادیه و مصاحبه و کار نوشتاری حول مسائل کارگری اعلام شده است، گام مهمی در تداوم کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض است. اعتراض به این احضارها، اعتراض به تعرضات رژیم اسلامی به فعالین و رهبران کارگری با انگ های امنیتی، قدم مهمی در دفاع از حق تشکل، حق اعتصاب، آزادی بیان و آزادی های پایه ای در جامعه است. باید وسیعاً علیه این احضارها و اینگونه اتهامات به اعتراض برخاست.

### کارگران در هفته ای ...

از صفحه ۶ حذف اتهامات امنیتی علیه فعالین که جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبیدی با بیانیه مشترکی که اعلامش کردند، جنبش را دور خود شکل داده است. اعتراض علیه احضار فعالین کارگری و اتهامات امنیتی وارده بر آنها يك گام عملی برای پیشروی این کارزار و تحمیل خواستههای برحق مان است. اعتراض علیه اتهامات وارده به مظفر صالح نیا و شریف ساعد پناه، اعتراض علیه احضار جعفر عظیم زاده از رهبران سرشناس کارگری به بازپرسی ساوه در ۱۴ تیر و وارد کردن ۴ اتهام امنیتی جدید اتهام “اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور”، “تشویش اذهان عمومی”، “تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی” و

## جمهوری اسلامی در صدر فهرست کشورهای که بیشترین اعدام را دارد!

اعدام مجاز است نیز يك جنایت تمام عیار محسوب میشود. اعدام در ایران هم از نظر انسانی و هم از نظر حقوقی و قضائی و هم به لحاظ سیاسی یعنی بعنوان ابزاری برای مختنق کردن بیشتر جامعه يك جنایت مدهش است.

حکم اعدام باید لغو شود و نباید در هیچ شرایطی مجاز شمرده شود. امروز اعدام در بسیاری از کشورهای اروپائی لغو شده است و در ایران نیز میتواند و باید لغو شود. کمیته بین المللی علیه اعدام برای مقابله با اعدامهای جمهوری اسلامی همه را دعوت میکند تا هر چه وسیعتر به جنبش علیه اعدام بپیوندند و این جنبش را تقویت نمایند.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۲۳ جولای ۲۰۱۶ - ۳ مرداد  
۲۰۱۶

است. کمیته بین المللی علیه اعدام یکبار دیگر بر ضرورت لغو مجازات اعدام تاکید می کند و همگان را به مبارزه در این راه فرامی خواند. ما بر این باوریم که اعدام خنجری به پیکر جوامع انسانی است. نفس برسمیت شناخته شدن اعدام به عنوان يك عمل مجاز قانونی و دولتی، جان انسانها، انسانیت و حرمت انسانی را در هر جامعه ای کم ارزش و بی مقدار میکند و به این معنی در يك سطح وسیع اجتماعی راه را برای قتلهای غیر دولتی نیز باز میکند.

در ایران بدلیل وجود يك سیستم قرون وسطایی قضایی اعدامها ابعاد وحشیانه تری به خود می گیرند. در سیستم قضائی جمهوری اسلامی رسماً و قانوناً بیگناهان اعدام میشوند. این اعدامها حتی بر مبنای معیارهای جوامعی که در آنها حکم

سازمان عفو بین الملل گزارش داد که جمهوری اسلامی ایران در طی سال ۲۰۱۵، ۹۷۷ نفر را اعدام کرده است. این تعداد، بار دیگر حکومت اسلامی را در صدر فهرست کشورهای قرار داد که مجازات اعدام را اعمال میکنند.

این در حالیست که جمهوری اسلامی تنها در فاصله يك هفته یعنی از ۱۱ تا ۱۷ جولای ۲۱ نفر را به جرایم مختلف در اراک، کرج و بیرجند اعدام کرده است.

بنا بر همین گزارش، ایران، پاکستان و عربستان سعودی روی هم حدود ۹۰ درصد اعدام های ثبت شده در سال ۲۰۱۵ را داشته اند. این آمار منهای تعداد اعدامها در چین است. عفو بین الملل اعلام کرد که مجازات اعدام در جهان ۵۴ درصد رشد کرده و تعداد اعدامهای ثبت شده از سال ۱۹۸۹ به این طرف بیسابقه بوده

### سازمان بین المللی "با هم علیه مجازات اعدام":

## زندانی کردن نرگس محمدی محکوم است!

فرزندانش دست به اعتصاب غذا زد. وی به مدت يك سال صدای فرزندانش را نشنیده بود. بعد از بیش از دو هفته اعتصاب غذا مسئولین به درخواستش پاسخ مثبت دادند. با این حال او به طور ناعادلانه همچنان زندانی است."

نرگس محمدی در طول فعالیت اش در ایران بارها به مجازات اعدام در ایران معترض بوده و در کمپین های نجات جان محکومین به اعدام شرکت کرده است.

کمیته بین المللی علیه اعدام ضمن ابراز نگرانی از وضعیت جسمانی نرگس محمدی خواستار آزادی فوری وی و کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی است. جنبش لغو مجازات

سازمان بین المللی "با هم علیه مجازات اعدام" با انتشار يك اطلاعیه ای مطبوعاتی به زندانی بودن نرگس محمدی شدیداً اعتراض کرد و خواستار رسیدگی فوری پزشکی به وی و آزادی او شد.

در بخشی از این اطلاعیه مطبوعاتی آمده است:

"سازمان با هم علیه مجازات اعدام زندانی شدن نرگس محمدی فعال حقوق بشری که برای لغو مجازات اعدام در ایران فعالیت می کرد را شدیداً محکوم می کند."

در ادامه این اطلاعیه آمده است: "نرگس محمدی با وجود بیماری شدید با شجاعت در زندان اوین تهران با درخواست تماس تلفنی با

### انترناسیونال

#### نشریه حزب کمونیست کارگری

سرمدیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

**به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید**